

## بررسی عناصر داستان و تأثیر بازنویسی حکایت‌های گلستان سعدی در ادبیات کودک و نوجوان

منا احمدی سرخونی<sup>۱</sup>، فرامرز شیرین بیان<sup>۲</sup>، محمد صالح امیری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

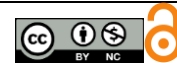
۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بندر لنگه، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر لنگه، ایران.

\* ایمیل نویسنده مسئول: Faramarzshirinbayan@gmail.com

### چکیده

یکی از شگردها در ادبیات کودک و نوجوان بازنویسی و بازآفرینی از متون کهن و معاصر به زبان ساده برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان است. ضرورت این کار آشنایی و درک بهتر کودک و نوجوان از متون کهن و آثار ارزشمندی است که به سبک و زبان کهن خلق شده‌اند و پر از مفاهیم اخلاقی، تعلیمی، فرهنگی، اجتماعی و... می‌باشند. ساختار روایی و درون مایه‌های اخلاقی نظم و نثر سعدی همواره بستر مناسبی برای اقتباس نویسندگان بازنویس بوده است و در طی چند سال اخیر نویسندگان زیادی به بازنویسی و بازآفرینی این آثار گرانقدر وی روی آورده‌اند. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به نقد و بررسی «حکایت ملک‌زاده کوتاه و حقیر و برادرانش» در باب اول گلستان سعدی و نقد بازنویسی‌های این داستان برای کودکان با توجه به رویکرد عناصر داستانی پرداخته شده است. در اکثر بازنویسی‌های این داستان، درونمایه و محتوای داستان در مقایسه با متن اصلی یکسان است؛ و در اکثر بازنویسی‌ها فقط زبان ساده و امروزی گشته است. تفاوت چندانی با متن اصلی صورت نگرفته است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کودک و نوجوان، بازنویسی، حکایت‌های گلستان سعدی، عناصر داستان.



شیوه استناددهی: احمدی سرخونی، منا، شیرین بیان، فرامرز، امیری، محمد صالح. (۱۴۰۳). بررسی عناصر داستان و تأثیر بازنویسی حکایت‌های گلستان سعدی در ادبیات کودک و نوجوان. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۴)، ۱۷۹-۱۹۲.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

## The Treasury of Persian Language and Literature

### Examining Narrative Elements and the Impact of Rewriting Saadi's Gulistan Anecdotes in Children's and Adolescent Literature

Mona AhmadiSarkhoni <sup>1</sup>, Faramarz ShirinBayan <sup>2\*</sup>, Mohammad Saleh Amiri <sup>3</sup>

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

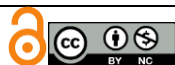
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bandar Lengeh Branch, Islamic Azad University, Bandar Lengeh, Iran.

\*Corresponding Author's Email: Faramarzshirinbayan@gmail.com

#### Abstract

One of the common techniques in children's and adolescent literature is the rewriting and recreation of classical and contemporary texts in simplified language for young audiences. The necessity of this practice lies in familiarizing children and adolescents with classical literature and helping them better understand valuable works composed in an archaic style and language, filled with ethical, didactic, cultural, and social themes. The narrative structure and moral content of Saadi's prose and poetry have consistently provided a suitable foundation for adaptation by rewriting authors. In recent years, many writers have turned to the rewriting and recreation of his precious works. In this study, using a descriptive-analytical method, the tale "The Short and Lowly Prince and His Brothers" from the first chapter of Saadi's Gulistan is critically examined alongside its rewritings for children, with a focus on narrative elements. In most of these rewritings, the thematic content of the story remains consistent with the original text, and in the majority of cases, only the language has been modernized and simplified. There is little deviation from the original narrative.

**Keywords:** *children's and adolescent literature, rewriting, anecdotes from Saadi's Gulistan, narrative elements.*



**How to cite:** AhmadiSarkhoni, M., ShirinBayan, F., Amiri, M.S. (2024). Examining Narrative Elements and the Impact of Rewriting Saadi's Gulistan Anecdotes in Children's and Adolescent Literature. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(4), 179-192.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024-11-23

Revise Date: 2025-02-08

Accept Date: 2025-02-23

Publish Date: 2025-03-15

## مقدمه

ادبیات کودک به عنوان شاخه‌ای از ادبیات در زبان فارسی با نگرشی ویژه و بنیادین به کودک، دیر زمانی نیست که پا به عرصه وجود گذاشته است و هنوز زمان و تلاش‌های بسیاری می‌طلبد تا به جایگاه شایسته خود دست یابد. از جمله عواملی که منجر به غنی‌تر شدن ادبیات کودک و نوجوان می‌شود بازنویسی و بازآفرینی آثار معتبر و ارزشمند گذشتگان برای این گروه سنی است. از حدود نیم قرن پیش با شکل‌گیری رسمی ادبیات کودکان در ایران بازنویسی نیز به عنوان یکی از روش‌های ایجاد کتاب‌های خواندنی برای کودک و نوجوان مورد استفاده قرار گرفت؛ و این بازنویسی‌ها در ابتدا عمدتاً به صورت ساده و در حد تغییرات زبانی بوده‌اند، اما در سالهای اخیر کوشش برای بازنویسی خلاق و همچنین بازآفرینی صورت گرفته است. توجه به بازنویسی و بازآفرینی آثار کهن یک ضرورت در ادبیات کودک و نوجوان است. اکثر متون کهن و کلاسیک شامل اخلاقیات با درون‌مایه‌های تعلیمی می‌باشند که مطالعه چنین آثاری برای خوانندگان کودک و نوجوان خالی از لطف نیست، با این حال، زبان و سبک بیان آن‌ها برای مخاطب کودک و نوجوان مناسب نیست و کودک و نوجوان از درک و فهم آن مطالب عاجز است و برای قابل فهم کردن این آثار برای کودکان و نوجوانان لازم است این آثار بازنویسی و بازآفرینی شوند و درخور فهم و درک کودک و نوجوان امروزی قرار گیرند. یکی از آثار ارزشمند اخلاقی و تعلیمی که همواره مورد توجه عموم به ویژه مخاطبین کودک و نوجوان بوده است، حکایات گلستان سعدی است. اقتباس از آثار سعدی به شیوه‌های مختلفی صورت گرفته است و در طی چند سال اخیر بازنویسان و بازآفرینان زیادی به این آثای توجه نموده‌اند. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به نقد و بررسی «حکایت ملک‌زاده کوتاه و حقیر و برادرانش» در باب اول گلستان سعدی و نقد بازنویسی‌های این

داستان برای کودکان با توجه به رویکرد عناصر داستانی پرداخته شده است.

## پیشینه پژوهش

پس از جستجو در پایگاه‌های داده‌های پژوهشی هم‌چون ایرانداک، نورمگز، مگیران، اس‌ای دی و غیره، به این نتیجه رسیدیم که تاکنون هیچ تحقیق و تألیفی در خصوص موضوع این پژوهش انجام نشده و هیچ سابقه و پیشینه‌ای برای این موضوع به دست نیامد؛ البته برخی پژوهش‌های هم‌سو که تا حدودی با موضوع این پژوهش مرتبط هستند، مشاهده شد که در زیر به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

مالکی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مولفه‌های خلاقیت در داستان‌های کودکان منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۰ بر اساس الگوی گیلفورد» به این نتیجه رسیده است که مولفه خلاقیت سیالی در داستان‌های ترجمه‌ای نسبت به تألیفی بیشتر بکار رفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داده که بین جنسیت نویسندگان و مولفه‌های خلاقیت الگوی گیلفورد رابطه معنی‌داری وجود ندارد (1).

احمدسلطانی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر روابط بین فرهنگی در عناصر ادبی، زیبایی‌شناسی و فرم ادبیات کودک و نوجوان»، به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیرپذیری برجسته‌ای در زمینه‌ی فرم و محتوا میان آثار داستانی کودک در جوامع مختلف دیده می‌شود که این امر ریشه در یگانگی ذات بشریت و همچنین ویژگی‌های خاص دوران کودکی است که در میان انسان‌ها مشترک است که همواره مورد توجه نویسندگان داستان کودک قرار گرفته است (2).

حسین‌زاده خوزانی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «نقد ساختاری ۲۰ داستان کوتاه ادبیات نوجوان (از نویسندگان شاخص پس از انقلاب تا سال ۱۳۸۰)»، علاوه بر معرفی تعدادی از نویسندگان مشهور ادبیات کودک و نوجوان و

آثار آن‌ها به نقد ساختاری یکی از داستان‌های آن‌ها پرداخته است. او معتقد است که با بررسی چهار عنصر طرح، شخصیت، نشانه و روایت که عناصر اصلی یک داستان هستند قادر است ابعاد زیادی از یک داستان را کشف و تبیین کند (3).

#### نگاه سعدی به آموزش کودکان و نوجوانان

گفتمان سعدی در زمینه کودک و نوجوان و پرورش و آموزش آن‌ها گفتمانی یک سویه و مردانه است در همه گزاره‌های یاد شده در نمودارهای بالا و گزاره‌های دیگر که به علت نامناسب بودن از یادکرد آن‌ها خودداری شده واژه «پسر» به معنای عام «فرزند» به کار رفته است. سعدی در متون حکایی گلستان، می‌کوشد از عنصر پند و اندرز برای تغییر در رفتار کودکان و نوجوانان استفاده کند سبک و سیاق سعدی در تربیت و شکل، بیان از نویسندگانی مانند نظامی غزالی عراقی عنصر المعالی کیکاووس بن وشمگیر و... پیشرفته‌تر می‌نماید چرا که سعدی از ساخت داستان زبانی غیر مستقیم)، برای بیان آموزه‌های خود استفاده می‌کند البته پیش از سعدی، نصرالله منشی در داستان حکایت‌های تمثیلی کلیله و دمنه و عبید زاکانی در رساله «دلگشا با زبان طنز غیر مستقیم گویی را در پیش می‌گیرند. انگاره‌ها و آموزه‌های تربیتی سعدی در زمانه او، چه بسا نو و کاربردی، بوده اما در روزگار ما به علت تغییر در نگرشها و مناسبات اقتصادی اجتماعی و پیشرفت دانش‌های انسانی، بسیاری از آموزه‌های تربیتی و پرورشی سعدی درباره کودکان و نوجوانان کارایی خود را از دست داده اند. امروزه دیگر این سخن سعدی که تربیت نیکو نگردد آن که بنیادش بد است تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است غیر قابل دفاع است چرا که در «بدی بنیادین» و تربیت ناپذیری انسان‌ها تردیدهای جدی وجود دارد. مبانی نظام تربیتی سعدی برخاسته از تجربه شخصی او در زندگی و سیر و سفر و نیز آموزش‌ها و باورهای آیینی و دانشی اوست. اصول تربیتی مورد استفاده سعدی زاینده مناسبات اجتماعی زمانه او است. در آن نظام تاریخ از زبان اول

شخص مذکر روایت می‌شود؛ اول شخصی که در جایگاه یک متکلم وحده و عقل گل نشسته و از دریچه دانای کل به جهان پیرامون می‌نگرد و درباره آن داوری و تصمیم گیری می‌کند. این دانای کل به علت عدم حضور دیگران به خود اجازه می‌دهد تا به پیر و جوان زن و مرد، دارا و ندار ..... اندرز بدهد (4).

#### اهمیت و ضرورت بازنویسی و بازآفرینی از ادب رسمی

انسان‌ها بنا به شرایط زندگی عصر خود تجربیات جدیدی کسب می‌کنند که تجربه قبلی آن‌ها را تکمیل می‌کند در واقع با تغییر سلیقه‌ها تجربیات قبلی کهنه شده و دیگر باب روز نیستند تا بتوانند کاربرد عملی داشته باشند. «پس میل به جاودانه ماندن و نو شدن نمود می‌یابد تضمین جاودانگی ادبیات به گونه‌ای دیگر شدن است. درهم ریختگی و از هم پاشیدگی در اثر موجود و به وجود آوردن اثری، نو، پشتوانه‌ای محکم برای جاودان سازی جوهره هنر به حساب می‌آید.» (5). کتب قدیمی نظم و نثر ما سرشار از داستان‌های پندآموز و اخلاقی و حتی سرگرم کننده است و ادبیات عامیانه ما نیز دارای قصه‌ها و افسانه‌هایی است که سینه به سینه و نسل به نسل گشته و تا امروز بسیاری از آن‌ها مکتوب شده و در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گرفته اند. درواقع یکی از انواع خاص کتاب کودک هم کتابهایی است که وسیله پیوند دادن کودک و نوجوان با ادب و فرهنگ گذشته ایران است و هسته مرکزی اطلاعات آن‌ها را در باب ایرانی و فرهنگ ایرانی تشکیل می‌دهد بازنویسی یک ضرورت است؛ زیرا کودک و نوجوان به دلیل محدودیت در قدرت درک و خواندن قادر نیستند مستقیماً از آثار ادب کهن و کلاسیک بهره مند شوند پس باید برای در اختیار گرفتن آثار ارزشمند ادب فارسی در اختیار کودکان و نوجوانان به بازنویسی یسی و بازآفرینی این آثار پرداخت تا هم کودکان و نوجوان از آن آثار بهره ببرند و هم اینکه با تجدید دوباره این آثار به فراموشی سپرده نمی‌شوند در نتیجه این امر اجتناب ناپذیر و یک ضرورت است.

در ادامه به بررسی یک حکایت از گلستان سعدی و بررسی عناصر داستان در این حکایت می‌پردازیم:

### حکایت ملک‌زاده کوتاه و حقیر و برادرانش «باب اول» (حکایت ۳)

«ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادرانش بلند و خویروی. باری پدر به کراهیت و استحقار در وی نظر همی کرد.

آن نه من باشم که روز جنگ‌بینی پشت من  
کان که جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند

این بگفت و بر سپاه دشمن زد و تنی چند مردان کاری بینداخت.  
چون پیش پدر بازآمد زمین خدمت ببوسید و گفت:

ای که شخص منت حقیر نمود  
اسب لاغر میان به کار آید

آورده‌اند که سپاهی دشمن بی‌قیاس بود و اینان اندک. طایفه‌ای آهنگ گریز کردند. پسر نعره‌ای زد و گفت: ای مردان بکوشید با جامه زنان بپوشید. سواران را به گفت او تهور زیادت گشت و به یک بار حمله بردند. شنیدم که هم در آن روز بر دشمن ظفر یافتند. ملک سروچشمش ببوسید و در کنار گرفت و هر روز نظر بیش کرد تا ولیعهد خویش کرد. برادران حسد بردند و زهر در طعامش کردند. خواهرش از غرفه بدید دریچه برهم زد. پسر دریافت و دست از طعام باز کشید و گفت: محال است که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان بگیرند. پدر را از این حال آگهی دادند. برادرانش را بخواند و گوشمالی به جواب بداد. پس هر یک را از اطراف بلاد حصه‌ای مرضی معین کرد تا فتنه بنشست و نزاع برخاست که گفته‌اند: ده درویش در گلیمی بخشیدند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند.»

### شخصیت و شخصیت پردازی

پسر به فراست و استبصار به جای آورد و گفت: ای پدر، کوتاه خردمند به از نادان بلند، نه هر چه به قامت مهتر به قیمت بهتر. پدر خندید و ارکان دولت بیسندید و برادران به جان برنجیدند. شنیدم که ملک را در آن مدت دشمنی صعب روی نمود. چون لشکر از هر دو طرف روی در هم آوردند اول کسی که اسب در میدان جهانید این پسر بود و گفت:

آن منم گر در میان خاک و خون بینی سری  
روز میدان وان که بگریزد به خون لشکری

تا درشتی هنر نپنداری  
روز میدان نه گاوپروری

یکی دیگر از مهمترین عناصر سازنده داستان‌ها شخصیت‌ها می‌باشند. اشخاص ساخته شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان نمایشنامه و فیلم نامه ظاهر می‌شوند شخصیت می‌نامند. مخلوق ذهن نویسنده ممکن است همیشه انسان نباشد و حیوان و شیء و طبیعت و چیز دیگری را نیز شامل شود. شخصیت بازیگر داستان است در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و خلقی او در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند وجود داشته است. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده و بیننده در حوزه داستان کوتاه و رمان و یا نمایشنامه و فیلم نامه و... تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند شخصیت پردازی می‌خوانند (6).

شخصیت و شخصیت‌پردازی به عنوان یکی از عناصر ساختاری داستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ و عامل شخصیت در واقع یکی از عناصر عینیت دهنده به زندگی اجتماعی قصه و داستان است. انتخاب و خلق شخصیت‌های داستان نیز اهمیت بسیاری دارد و یکی از عوامل موفقیت داستان‌ها وجود

شخصیت‌های خوش ساخت در آن‌ها می‌باشد چنین شخصیت‌هایی مخاطب را مجاب می‌سازد که پیرو آن عمل کند. از یک دیدگاه شخصیت‌های داستان به دو طیف عمده "ایستا" و "پویا" تقسیم می‌شوند. شخصیت‌های ایستا در طول داستان متحول نمی‌شوند، حوادث داستان بر آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد و در پایان داستان همان شخصیتی هستند که در ابتدای داستان بوده‌اند؛ اما شخصیت‌های پویا فعال‌اند و در اثر رویدادهای داستان دچار تحول و دگرگونی می‌شوند. «در یک تقسیم‌بندی دیگر شخصیت‌های داستان را به شخصیت‌های قالبی، شخصیت‌های قراردادی، شخصیت‌های نوعی، شخصیت‌های تمثیلی، شخصیت‌های نمادین، شخصیت‌های تک بعدی یا ساده و شخصیت‌های چند بعدی و همه جانبه تقسیم کرده‌اند. «برای شخصیت‌پردازی در داستان نویسنده ممکن است به سه شیوه شخصیت‌های خود را خلق و معرفی کند. الف) با توصیف و تشریح مستقیم ویژگی‌های شخصیت (شخصیت پردازی مستقیم)، ب) ممکن است شخصیت‌ها را با عمل و گفتار آنان معرفی کند (شخصیت پردازی غیره مستقیم) ج. و همچنین می‌تواند در مقام دانای کل و بی طرف ذهنیات آگاه و نیمه آگاه اشخاص را به خواننده منتقل کند و خود هیچ تغییر و تفسیری بر آن نیفزاید (روش جریان سیال ذهن)».

(7). شخصیت‌های اصلی در این داستان نقش پررنگ‌تری دارند. در این داستان پادشاه و پسر کوتاه قد و خواهرش، شخصیت‌هایی ایستا و دو پسر دیگر پادشاه شخصیتی پویا دارد زیرا که در ابتدای داستان خوب بودند و در انتها بر اثر ماجراهای داستان به حسادت و گینه ورزی می‌پردازند. شخصیت‌های شاهزاده قد کوتاه و پادشاه در هر دو داستان شخصیت نوعی تیپ هستند. تعداد شخصیت‌های اصلی در بازنویسی‌های این داستان با متن اصلی برابر است و تنها شخصیت‌های فرعی همراهان پادشاه به بازنویسی افزوده شده‌اند.

اغلب معرفی شخصیت‌های اصلی در بازنویسی ابتدا از طریق توصیف و سپس از طریق اعمال آن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین شیوه شخصیت پردازی در بازنویسی مطابق با متن اصلی است با این تفاوت که در بازنویسی‌ها، اعمال و کنش‌های بیشتری به شخصیت‌ها نسبت داده شده است که این امر سبب عینی‌تر شدن شخصیت‌ها برای خواننده و جذاب‌تر شدن بازنویسی نسبت به متن اصلی می‌شود.

### صحنه و صحنه پردازی

صحنه، محل و ظرف زمانی وقوع عمل داستانی است؛ به بیان دیگر هر داستان در جایی و در محدوده زمانی خاصی اتفاق می‌افتد؛ و همین موقعیت زمانی و مکانی وقوع حوادث داستان را تشکیل می‌دهد. «کاربرد درست صحنه بر اعتبار و حقیقت ماندنی داستان می‌افزاید و انتخاب درست مکان وقوع داستان به قابل قبول بودن حوادث کمک می‌کند. به همین دلیل حتی در داستان‌های خیالی یعنی داستان‌های خیال و وهم (فانتزی و مافوق طبیعی، هراس انگیز و.... داستان‌های مکتبی سوررئالیستی نمادین سمبولیستی) صحنه داستان بر قلمرو و زمینه قابل قبولی جریان دارد.» (6) داستان را براساس صحنه و صحنه پردازی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول: داستان‌هایی که صحنه در آن‌ها از اهمیت به سزایی برخوردار است و بر عمل داستانی و شخصیت‌های داستان تأثیر بسیار نیرومندی می‌گذارد. دسته دوم داستان‌هایی که صحنه‌ها در آن بازتاب عمل و شخصیت‌های داستان باشد. دسته سوم صحنه‌هایی که متضمن معنای عمیق و گسترده‌ای باشد و همچون درون مایه، جزئی از عناصر حیاتی و سازنده داستان محسوب شود و مفهوم خاصی را در داستان یدک بکشد (8).

حوادث داستان در متن اصلی در زمان و مکان خاصی اتفاق نیافتاده است. اگر چه صحنه پردازی در متن اصلی مورد توجه واقع نشده است اما در بازنویسی‌ها توصیف صحنه نقش به سزایی در فضاسازی و انتقال حال و هوای داستان به مخاطب دارد.

صحنه‌های بازنویسی را اغلب واژه‌ها به همراه تصویر به وجود می‌آورند.

#### درون مایه

درون مایه یا مضمون، فکر اصلی و مسلط در هر اثری است. «خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و حادثه‌ها و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد به بیانی دیگر درون مایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند. به همین جهت است که می‌گویند درون مایه هر اثری جهت فکری و ادراکی نویسنده اش را نشان می‌دهد.» (8). شیوه ارائه درون مایه ممکن است به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم باشد. در شیوه غیرمستقیم، نویسنده درون مایه را در افکار و عواطف و تخیلات شخصیت‌های داستان می‌گنجاند. اهمیت این شیوه بیان ظریف غیرصریح درون مایه برای میزان تأثیر پذیری خواننده از داستان و تخیل برانگیزی و تقویت و حس کنجکاو در خوانندگان و فعالیت ذهنی بیشتر آنهاست و داستان‌هایی که برای نوجوانان خلق می‌شوند، اگر از شیوه غیرمستقیم درون مایه در آن‌ها استفاده شود باعث می‌شود خوانندگان نوجوان با تأمل تفکر در دریافت درون مایه درباره شخصیت‌ها و محتوای داستان قضاوت و نتیجه‌گیری کنند. در بعضی از داستان‌ها هم درون مایه به شیوه مستقیم و صریح بیان می‌شود و بعضی از این نوع داستان‌ها به پند و اندرز اخلاقی هم می‌پردازند که چندان با مذاق و طبع مخاطب نوجوان سازگار نیستند (9).

درون مایه در قصه‌ها، برخورد خوبی‌ها با بدی‌هاست. قهرمان‌ها و آدم‌های خوب و نیک‌سرشت با نیروهای اهریمنی و شرور می‌جنگند و موضوع قصه‌ها را به وجود می‌آورند. درون مایه و زیربنای فکری و اجتماعی قصه‌ها، ترویج و اشاعه اصول انسانی و برادری و برابری و عدالت اجتماعی است (8). فضاسازی‌ها و حال و هوای داستان باید با درون مایه‌ی آن تناسب و هماهنگی

داشته باشد؛ برای نمونه اگر فضای داستان، فضای غمگین است درون مایه داستان نیز باید در مورد مسائل اندوهناک باشد.

در این داستان نیز قهرمان‌ها و آدم‌های خوب و نیک‌سرشت با نیروهای اهریمنی و شرور می‌جنگند و موضوع و درون مایه این قصه را به وجود می‌آورند.

#### فضاسازی

به حال و هوا و فضای حاکم در داستان و فضایی که نویسنده منطبق با درون مایه و سایر عناصر داستان به کار می‌گیرد، فضاسازی گویند. در واقع فضا سایه‌ای است که داستان در اثر ترکیب عناصرش بر ذهن خواننده می‌افکند.» (10)

فضاسازی با سایر عناصر داستان پیوستگی و ارتباط نزدیک دارد. «فضاسازی در داستان به نویسنده این امکان را می‌دهد که مسلط روح و حاکم بر داستان را به خواننده منتقل کند. این کار با شیوه‌ای غیرمستقیم از طریق چینش جمله‌ها و نشانه‌هایی که در فضای داستان جریان دارد صورت می‌پذیرد. فضای حاکم بر داستان می‌تواند شادی، اندوه، اضطراب، سرما، ترس، هیجان، گرما، رنج، عشق و ... باشد. نویسنده با فضاسازی ماهرانه می‌تواند به ارتباط مخاطب با داستان کمک کند و باعث تأثیرگذاری بیشتر داستان بر خواننده شود.» (11).

فضاسازی در متن اصلی این داستان، تحت تأثیر عنصر گفت و گو است، به همین جهت حال و هوای داستان عقلی است. در متن بازنویسی شده نیز از عنصر گفت و گو بهره بسیار برده شده است. اغلب گفتگوها حال و هوای داستان را طنز آمیز کرده اند. اگر چه توصیف صحنه در متن اصلی جایگاهی ندارد اما از آن در بازنویسی‌ها برای عینی‌تر و جذاب‌تر کردن داستان استفاده شده است. بنابراین در فضاسازی متن اصلی از عنصر گفت و گو و در فضاسازی بازنویسی‌ها از گفت و گو و صحنه پردازی استفاده شده است. فضای بازنویسی همانند متن اصلی عقلی است اما برخلاف آن طنز آمیز و صمیمی است.

در ادامه به بررسی چند بازنویسی از این داستان و نقد آن‌ها می‌پردازیم:

#### داستان بازنویسی شده (ملک‌زاده کوتاه قد)

بازنویس: جعفر ابراهیمی

تصویرگر: فرشید شفیع

برای گروه سنی: د

«آورده‌اند که در زمان قدیم، ملکی بود که چهار پسر داشت و یک دختر. یکی از پسرانش کوتاه قد بود و لاغر و زشت‌روی. برادرانش اما هر سه خوب‌روی بودند و دلاور و بلندبالا. پدر، همواره به آن سه پسر روی خوش نشان می‌داد و به آنان می‌بالید و می‌گفت: «چه پسران رشیدی دارم!» اما به پسر لاغر و کوتاه قد و زشت‌روی، چندان محبت نمی‌کرد و از داشتن چنان پسری سرافکنده بود و شرم‌منده. هر بار که می‌دیدش، به دیده تحقیر در او می‌نگریست...» (12)

در این بازنویسی، بازنویس روش خاصی را دنبال کرده است. بدین گونه که اصل حکایت را نیز از گلستان، در لابه‌لای داستان خود آورده است یعنی متن اصلی را جمله جمله می‌نویسد و سپس در پایان هر جمله یا عبارت به بازنویسی آن‌ها می‌پردازد و به همین ترتیب تا پایان داستان ادامه می‌دهد.

می‌توان گفت: حکایت گلستان را ساده‌نویسی و ترجمه کرده است تا بازنویسی و چون از این روش استفاده کرده است، دیگر هیچ تغییر اساسی در شخصیت‌ها یا حوادث داستان ایجاد نشده است. در این داستان در بعضی از قسمت‌های بازنویسی شده آن از عبارات دشوار استفاده شده است. مثلاً «به دیده تحقیر در او نگریست.» (12) که حتی برای خواننده نوجوان هم فهم آن مشکل است و یا از کلمه «قشون»؛ واژه‌ای دیروزی به جای «لشکر» امروزی استفاده شده است.

یا در قسمتی از داستان جمله حکایت اصلی را آورده است و بازنویسی یا ترجمه نکرده است. مثل «ای مردان! بکوشید یا جامه زنان بپوشید!» (12)

واژه‌های «ملک» و «زشت‌روی» و «سرافکنده» واژه‌های مناسبی برای گروه سنی مخاطب یعنی کودکان و نوجوانان نیستند و باید از آوردن چنین واژه‌هایی پرهیز می‌شد.

در پایان این داستان هم اشتباهی در ترجمه متن اصلی صورت گرفته است. این گونه که در ترجمه عبارت: «نزع برخاست...» (12) می‌نویسد: «اما مدت کوتاهی بعد، دوباره نزع برخاست...» در واقع «برخاست» را «شروع شد» ترجمه کرده است در حالی که ترجمه صحیح آن «از میان رفت» می‌باشد.

#### داستان بازنویس شده (شاهزاده باهوش)

بازنویس: امید پناهی آذر

تصویرگر: آزاده ثقفی

برای گروه سنی: ب، ج

«روزی بود و روزگاری شهری بود و شهریار. شهریار قصه‌ی ما چهار پسر داشت و یک دختر. پسر کوچک نامش امیر شهران بود. امیر شهران باهوش و مهربان بود. اما قدش کمی کوتاه بود. به همین خاطر هیچ وقت از طرف پدرش و بقیه‌ی سران دربار جدی گرفته نمی‌شد. یک روز که وزیر تشریفات در قصر میهمانی برگزار کرده بود پادشاه یک معما گفت و از پسرانش خواست جواب معما را بگویند. امیرشهران ایستاد و گفت...» (13)

پناهی آذر برعکس مژگان شیخی از خصوصیات مثبت شاهزاده برای عنوان داستان بهره برده است و با دیده اغماض به کوتاه قدی و زشت‌رویی او نگاه نکرده و این حسنی برای داستان به شمار می‌رود.

داستان بدون مقدمه‌چینی خاصی شروع می‌شود و دارای طرحی منسجم است. بازنویس برای شخصیت‌های اصلی داستان، به منظور باورپذیری بیش‌تر داستانش، از اسامی خاص استفاده کرده است و

نام ملک‌زاده کوتاه قد را «امیر شهران» و نام خواهرش را «روشنک» گذاشته است.

نام شخصیت‌ها کاملاً با خصوصیات اخلاقی و ظاهری آن‌ها متناسب است. این داستان از مایه‌های طنز نیز برخوردار است. به عنوان مثال، می‌توان به این جمله استناد کرد: «حالا بشنوید از برادرها که داشتند از حسادت می‌مردند» (همان: ۹)

در این بازنویسی اقتضای سن مخاطب کاملاً در نظر گرفته شده است و این سخن در ماجرای سم دادن به امیر شهران از طرف برادرش و فهمیدن خواهرش و نجات دادن امیر شهران کاملاً مشهود است.

«موقع ناهار برادر بزرگ‌تر کاسه‌ی آشی را به دست امیر شهران داد. امیر تا آمد آتش را سر بکشد خواهرش از پشت پرده بیرون پرید و دست امیر شهران را گرفت. کاسه افتاد و آتش داغ ریخت روی پای یکی از برادرها. روشنک ماجرا را برای امیر شهران گفت...» (13)

در پایان داستان نیز بازنویس خلاقیت به خرج داده است و برای استفاده از عبارت اصلی این حکایت در گلستان، از زبان پادشاه پدر می‌نویسد: «پدر تا این را شنید ناراحت شد و با خود گفت: به قول سعدی «مجال است که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان بگیرند.» (13)

داستان به خوبی و با جشنی که پادشاه ترتیب می‌دهد تمام می‌شود. داستان از زبان راوی دانای کل نامحدود گفته می‌شود و درون‌مایه آن نیز در لایه‌های زیرین داستان نهفته است. زبان داستان به غیر از جایی که از عبارت حکایت اصلی گلستان که در بالا به آن اشاره شد، کاملاً ساده، امروزی و باب طبع و مناسب حال خواننده کودک است.

#### داستان بازنویس شده (شاهزاده‌ی کوتاه قد)

بازنویس: مرگان شیخی

تصویرگر: علیرضا گلدوزیان

برای گروه سنی: ب، ج

«روزی روزگاری پادشاهی بود قدبلند و رشید. قوی هیکل و زیبا. او سه پسر داشت و یک دختر. دو پسر و دخترش قد بلند بودند و زیبا. ولی یکی از پسرها قدکوتاه و زشت بود. از همان کوچکی برادرها مسخره‌اش می‌کردند و سر به سرش می‌گذاشتند. خواهرش همیشه با آن دو برادر دعوا می‌کرد و از برادر قدکوتاهش حمایت می‌کرد. چرا که او خیلی مهربان و خوش اخلاق بود. ولی پدر، یعنی پادشاه این طور نبود. برای او صورت و قد و هیکل خیلی مهم بود...» (14)

کلمه شاهزاده که در عنوان داستان آمده است، کلمه‌ای مناسب و امروزی شده برای ملک‌زاده است و به درستی و قابل فهم برای مخاطب کودک انتخاب شده است. داستان بدون هیچ مقدمه‌ای و با عنصر شخصیت شروع می‌شود. شخصیت‌های داستان ایستا هستند و طوری شخصیت‌پردازی شده‌اند که از خصوصیات ظاهری و اعمال و حرف‌هایشان می‌توان به خصوصیات درونی آن‌ها پی برد. وزیراعظم شخصیتی است که بازنویس به شخصیت‌های حکایت اصلی در گلستان اضافه کرده است و از رفتارش فهمیده می‌شود که فردی است کاردان و به صلاح مملکت می‌اندیشد و بعد از تنبیه شدن دو پسر پادشاه به خاطر توطئه‌چینی در حق برادرشان نزد پادشاه می‌رود و می‌گوید: «پادشاه! به هر حال آن‌ها پسران شما هستند و نمی‌شود برای همیشه در زندان بمانند. این به صلاح شما و مملکت نیست. مردم نباید بفهمند که برادران به جان هم افتاده‌اند...» (14)

برای این که آن دو پسر پادشاه، دوباره خطایی از آن‌ها سر نزنند، راه حل مناسبی پیشنهاد می‌کند و در جواب پادشاه که می‌گوید: «ولی این پسران آرام نمی‌نشینند و نمی‌توانند برادرشان را ببینند...» (همان) این گونه می‌گوید: «من فکری برای این مشکل کرده‌ام. چاره‌ی کار آن است که به هر کدام از آن‌ها فرماندهی یکی از سرزمینهای دور را بدهید. فرماندهی سرزمین‌های مرزی هم خوب

است. یعنی جایی که همیشه احتمال حمله وجود داشته باشد و سرشان خیلی گرم شود. آن وقت فرصت زیادی برای فتنه و کارهای دیگر ندارند.» (14)

زاویه دید داستان، سوم شخص یا همان دانای کل نامحدود است. به درون مایه داستان نیز اشاره‌ی مستقیم نشده است و این را می‌توان یکی از محاسن این بازنویسی به شمار آورد. طرح داستان نیز منسجم هست و از اوج و فرود برخوردار است و ترتیب روابط علّی و معلولی حوادث داستان نیز رعایت شده است. داستان به گونه‌ای تمام می‌شود که مورد جلب رضایت مخاطب می‌شود و زبان داستان کاملاً مناسب حال گروه سنی مخاطبش یعنی کودک و نوجوان است.

#### نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده بیانگر این است که ادبیات کودک و نوجوان شاخه‌ای نو پا و نو ظهور از ادبیات فارسی است که در طی چند دهه گذشته رشد چشمگیری داشته است ادبیات کودک را به انواع مختلفی تقسیم می‌کنند. از جمله؛ ادبیات هنری تخیلی و دانستنی - های علمی ادبیات قدیم و ادبیات جدید یا ادبیات داستانی و ادبیات غیر داستانی؛ که در کل با هدف پرورش نیروی تعقل، تربیت خلاقیت و... کودکان و نوجوانان شکل گرفته است. در واقع ادبیات کودک در رشد و تکامل کودک به دلیل نیازهای روحی و روانی و جسمی کودکان و شکوفایی استعداد و خلاقیت آن‌ها اهمیت فراوانی دارد. قصه و داستان که یکی از شاخصه‌های مهم ادبیات کودک محسوب می‌شود محرک تفکر و تخیل کودک است و باعث کسب تجربیات او می‌گردد. یکی از شیوه‌های رایج و مهم برای کتاب خوانی کودکان و نوجوانان در ادبیات کودک، بازنویسی و بازآفرینی از متون کهن و معاصر آثاری که به سبک و زبان متون کهن خلق شده اند می‌باشد. بازنویسی یعنی به زبان امروزی درآوردن اثر کهن به طوری که کهنگی اثر گرفته شود؛ و بازآفرینی یعنی آفرینشی دوباره از یک اثر بدون دخل و تصرف در چارچوب

و خطوط اصلی اثر، به طوری که درون مایه اثر با نگرش و پرداختی دیگر عرضه گردد. بازنویسی و بازآفرینی از متون تعلیمی ادبیات کهن همواره مورد توجه بوده است و به طوری که در طی سالیان اخیر جایگاه بالایی را در حوزه نشر کتابهای کودکان به خود اختصاص داده است. نویسندگان بازنویس و بازآفرین شیوه‌های مختلفی را در بازنویسی و بازآفرینی از آثار ارزشمند ادبی به کار می‌گیرند و اثر بازنوشت به توجه به شیوه‌ای که نویسنده در آن به کار برده است، به انواع مختلفی چون بازنویسی ساده، بازنویسی خلاق، بازنگری، بازآفرینی و ... تقسیم می‌شوند و گستره تقسیم بندی‌ها از ضعیف به قوی و از ساده به پیچیده است که در این طیف هر اثری در جایگاهی متفاوت‌تر از اثر دیگر قرار می‌گیرد. در بازنویسی و بازآفرینی نویسنده باید شرایط و اصولی را در کار خود رعایت کند تا اثر بازنوشت گویای پیام و درون مایه اثر قبلی باشد.

برای شناخت و ارزیابی از یک اثر به ویژه داستان‌های کودکان، ابتدا باید اثر مورد نظر را تحلیل نمود و جوانب مختلف آن را بررسی کرد که آیا برای مخاطب مورد نظر مناسب است یا نه؟ بهترین و رایج‌ترین شیوه تحلیل و بررسی داستان تحلیل عناصر موجود در آن می‌باشد، زیرا پیکره وجودی همه روایت‌ها و داستان‌ها از عناصر آن شکل گرفته است و نقص و کاستی‌های عناصر داستان در واقع نقص همان داستان است. عناصر کلی داستان شامل؛ موضوع، پیرنگ، درون مایه، زاویه دید، شخصیت، فضاسازی، زمان و مکان و... است. در برخی از داستان‌های کودکان تمام این عناصر به کار گرفته شده اند و برخی دیگر به دلیل کم حجم بودن و قصه بودن، فاقد بعضی از عناصر می‌باشد.

شخصیت‌های اصلی در این داستان نقش پررنگ‌تری دارند. در این داستان پادشاه و پسر کوتاه قد و خواهرش، شخصیت‌هایی ایستا و دو پسر دیگر پادشاه شخصیتی پویا دارد زیرا که در ابتدای داستان خوب بودند و در انتها بر اثر ماجراهای داستان به حسادت و گینه

ورزی می‌پردازند. شخصیت‌های شاهزاده قد کوتاه و پادشاه در هر دو داستان شخصیت نوعی تیپ هستند. تعداد شخصیت‌های اصلی در بازنویسی‌های این داستان با متن اصلی برابر است و تنها شخصیت‌های فرعی همراهان پادشاه به بازنویسی افزوده شده‌اند. حوادث داستان در متن اصلی در زمان و مکان خاصی اتفاق نیافتاده است. اگر چه صحنه پردازی در متن اصلی مورد توجه واقع نشده است اما در بازنویسی‌ها توصیف صحنه نقش به سزایی در فضا سازی و انتقال حال و هوای داستان به مخاطب دارد. صحنه‌های بازنویسی را اغلب واژه‌ها به همراه تصویر به وجود می‌آورند.

در این داستان نیز قهرمان‌ها و آدم‌های خوب و نیک‌سرشت با نیروهای اهریمنی و شرور می‌جنگند و موضوع و درون مایه این قصه را به وجود می‌آورند.

فضا سازی در متن اصلی این داستان، تحت تاثیر عنصر گفت و گو است، به همین جهت حال و هوای داستان عقلی است. در متن بازنویسی شده نیز از عنصر گفت و گو بهره بسیار برده شده است. اغلب گفتگوها حال و هوای داستان را طنز آمیز کرده اند. اگر چه توصیف صحنه در متن اصلی جایگاهی ندارد اما از آن در بازنویسی‌ها برای عینی‌تر و جذاب‌تر کردن داستان استفاده شده است. بنابراین در فضا سازی متن اصلی از عنصر گفت و گو و در فضا سازی بازنویسی‌ها از گفت و گو و صحنه پردازی استفاده شده

didactic and ethical anecdotes whose rich moral teachings and narrative appeal render them especially suitable for adaptation. However, the language, structure, and cultural allusions of classical texts often render them inaccessible to younger audiences. Consequently, simplified, modernized rewritings serve the dual purpose of cultural preservation and educational engagement.

است. فضای بازنویسی همانند متن اصلی عقلی است اما برخلاف آن طنز آمیز و صمیمی است.

در نتیجه‌گیری از بازنویسی‌های (حکایت ۳) نیز می‌توان گفت: داستان خانم شیخی هم هم‌چون داستان آقای پناهی آذر با زبانی زیبا و امروزی در جذب مخاطب کودک، موفق دیده می‌شود. زیبایی داستان خانم شیخی با استفاده از ابزار داستان‌نویسی نوین دو چندان شده است. می‌توان گفت در بازنویسی این حکایت گلستان، خانم شیخی و سپس آقای پناهی آذر بهتر کار کرده‌اند.

آقای ابراهیمی در این داستان، از واژه‌هایی استفاده کرده‌اند که کاملاً قدیمی و کهنه هستند و این موضوع در عنوان داستان هم به خوبی آشکار است و باعث شده است تا زبان داستان به کهنگی بگراید و هر چند برای گروه سنی «د» نوشته شده است اما باز هم نیاز به بازنویسی بهتر و ساده‌سازی جملات و کلمات داشت.

در مقابل آقای پناهی آذر هر چند در چند کلمه این اشتباه را تکرار کرده‌اند و از کلمات امروزی به جای آن‌ها استفاده نکرده‌اند اما باز هم بهتر از آقای ابراهیمی از عهده بازنویسی داستان برآمده‌اند و عنوان داستان را هم کاملاً زیبا و امروزی انتخاب کرده‌اند. زبان داستان آقای پناهی آذر امروزی و مطابق سلیقه کودکان می‌باشد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### EXTENDED ABSTRACT

The rewriting and recreation of classical Persian literature for children and adolescents is a critical literary and educational practice that bridges the gap between timeless cultural heritage and the cognitive and emotional capacities of younger readers. Among the foundational texts of Persian literature, Saadi's *Gulistan* stands out as a seminal collection of

The present study focuses on the anecdote “The Short and Lowly Prince and His Brothers” from the first chapter of *Gulistan*, analyzing its original narrative elements and comparing them with three contemporary rewritings intended for young readers. The research emphasizes the transformation of narrative components—such as character development, setting, plot, and theme—through the lens of children's literature theory. By adopting a descriptive-analytical methodology, this study aims to evaluate the extent to which the rewritings succeed in preserving the core didactic message while rendering the narrative more relatable and comprehensible for modern youth (1, 2).

The theoretical foundation of this research rests upon narrative analysis, specifically the structure and function of key story elements such as characterization, setting, and theme. According to narratology, characters can be static or dynamic, and their psychological or moral traits may be conveyed directly (through narration) or indirectly (through action and dialogue). In the original version, the prince and the king exhibit archetypal traits commonly found in traditional Persian literature: the underdog son as a symbol of hidden virtue and the father as a figure of flawed judgment. These character types are preserved in the rewritings but with varying degrees of modification. For instance, in some rewritings, the prince is renamed (e.g., “Amir Shahran”) and endowed with more individualized features such as cleverness,

kindness, and a sense of humor. The portrayal of his siblings also undergoes development, transforming them from abstract antagonists into more dimensional characters affected by envy and remorse. The use of modern names and accessible language is particularly significant in making these characters relatable for young audiences, encouraging empathy and ethical reflection. In addition, the inclusion of new minor characters, such as ministers or advisors, allows for greater narrative depth and offers opportunities for moral teaching through dialogue and decision-making (6, 7).

In terms of setting, the original anecdote is largely devoid of temporal and spatial specificity, a common characteristic of classical Persian moral tales. Its narrative takes place in an undefined royal court, allowing the moral message to take precedence over realism or context. In contrast, the rewritings employ detailed scene descriptions, often supported by vivid illustrations, to create immersive environments. Descriptive passages about the court, battlefield, or domestic settings help situate the story within a recognizable world for the child reader, thereby enhancing both engagement and comprehension. The difference in narrative technique—from abstract to concrete—reflects the pedagogical shift in children's literature toward experiential learning and emotional involvement. Additionally, modern rewritings often incorporate humor, casual dialogue, and visual

metaphors to further bridge the cultural and temporal gap between the ancient text and the contemporary reader. While the original anecdote's abstraction supports universal moral messages, the grounded settings of the rewritings render the ethical dilemmas more immediate and personally relevant to the child's lived experience (4, 5).

Another essential element addressed in the study is theme, or the underlying moral idea conveyed through the story. In classical Persian literature, especially in works like the *Gulistan*, the didactic element often appears overtly through maxims, poetic inserts, or narrator commentary. Saadi's use of rhymed prose and embedded moral aphorisms presents challenges for young readers unfamiliar with poetic form and traditional idioms. In the rewritings, these didactic components are adapted or rephrased in child-friendly language. In some cases, the moral lesson is indirectly embedded in the characters' choices and consequences, aligning with contemporary pedagogical best practices that encourage critical thinking and inferential learning. Nevertheless, the core message—virtue outweighs appearance and status—remains consistent across all versions. The moral climax, in which the once-disregarded prince earns the admiration of his father and the kingdom, is preserved in each rewriting, although some include creative elaborations such as celebratory scenes or additional dialogue that further reinforce the prince's worthiness. The method of thematic

delivery thus evolves from explicit instruction to narrative implication, accommodating the cognitive development and interpretive capacity of younger readers (2, 3).

In addition to structural and thematic analysis, the study also evaluates the role of mood and tone—collectively referred to as atmosphere or “story space.” The tone of Saadi's original is serious, contemplative, and authoritative, often mediated by a moralizing narrator. In contrast, modern rewritings adopt a friendlier, often humorous tone aimed at engaging the child's imagination and emotional world. The use of everyday vocabulary, interactive sentence structures, and even direct address to the reader in some versions creates a more intimate and engaging narrative space. Moreover, the dialogue-heavy structure of the rewritings introduces rhythmic pacing and familiar speech patterns that mirror the oral storytelling tradition, enhancing accessibility. The tonal shift also aligns with the modern emphasis on reader-response theory in children's literature, which values emotional resonance and reader identification as tools for moral education. In sum, the rewritings do not merely translate language but also transpose affective modes, thereby transforming the reading experience while preserving the ethical core of Saadi's tale (5, 6).

The findings of this study support the conclusion that rewriting classical Persian literature for children and adolescents is not only a valuable educational practice but also

an essential strategy for cultural transmission. Through careful narrative adaptation, authors can preserve the ethical and intellectual richness of classical texts while meeting the developmental, linguistic, and emotional needs of younger audiences. The examined rewritings of Saadi's "Short and Lowly Prince" demonstrate a spectrum of adaptation approaches—from literal simplification to creative reimagining—each offering unique pedagogical benefits. While some adaptations retain closer fidelity to the source, others prioritize imaginative engagement, emotional relatability, or cultural modernization. What unites them is the shared goal of making ethical heritage accessible and compelling. By analyzing elements such as characterization, setting, theme, and tone, this study affirms that well-crafted rewritings can serve as powerful vehicles for moral development, language enrichment, and cultural continuity. Such adaptations do not dilute classical wisdom but breathe new life into it, ensuring that the voices of authors like Saadi continue to inspire new generations.

## References

1. Maleki S. An Examination of Creativity Components in Children's Stories Published Between 2008 and 2011 Based on Guilford's Model 2004.
2. Ahmad Soltani M. The Impact of Intercultural Relations on Literary Elements, Aesthetics, and Form in Children's and Adolescents' Literature. *Journal of Children's and Adolescents' Literature*. 2004(38).
3. Hosseinzadeh Khouzani F. Structural Critique of 20 Short Stories in Adolescent Literature (From Prominent Post-Revolution Authors Until 2001). 2010.
4. Mahdipoor Omrani R. Exploring Children's and Adolescents' Literature in Saadi's Golestan. *Book of the Month for Children and Adolescents*. 2003:74-8.
5. Zabihnia Omran A, Yeganeh Mehr H. Recreation and Rewriting in Children's and Adolescents' Literature: Fadak Isatis Publishing; 2014.
6. Mir-Sadeghi J. Literary Fiction: Sokhan Publishing; 2015.
7. Scholes R. Elements of Fiction 2007.
8. Mir-Sadeghi J. Elements of Fiction: Sokhan Publishing; 2015.
9. Younesi E. The Art of Storytelling: Negah Publishing; 2009.
10. Mastoor M. Foundations of Short Story: Markaz Publishing; 2008.
11. Esmailou D. How to Write a Story: Negah Publishing; 2005.
12. Ebrahimi J. Sweet Tales from Saadi's Golestan: Peydayesh Publishing; 2011.
13. Panahi Azar O. The Clever Prince (Tales from Golestan): House of Art Publishing; 2011.
14. Sheikhi M. Illustrated Tales from Golestan (6-Volume Collection): Ghadir Publishing; 2011.